

فرهنگ‌سازی در پوشاک دوره‌ی قاجار بر پایه‌ی بازنمائیهای جنسیتی

چکیده

در خلال سبک‌های مختلف پوشش و لباس افراد یک جامعه، اطلاعات وسیعی از واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه نهفته است. بسیاری از تحولات فکری و فرهنگی جامعه ایرانی نیز از نحوه پوشش و لباس آنها قابل ارزیابی است. در دوره قاجار که با اوج انقلاب صنعتی و دگرگونی فضای فکری و فرهنگی اروپا مصادف شد، شاهد دگرگونی گسترده‌ای در عرصه پوشاک هستیم؛ تغییراتی که ابتدا در لباس مردان قاجار آشکار شد. بر این اساس آنچه به عنوان هدف در روند این مقاله پیگیری می‌شود، مطالعه و بررسی نحوه‌ی پوشش و لباس مردان قاجار و دگرگونی آن با توجه به دو دوره جداگانه (قبل و بعد از گسترش مناسبات با اروپا) است. این پژوهش با اتکا به روش تحلیل متون تاریخی انجام می‌شود و بررسی و تحلیل این دگرگونی بر مبنای تغییر مفهوم جنسیت در دوره‌ی قاجار و عوامل وابسته به آن صورت گرفته است. روش تجزیه و تحلیل در این پژوهش بر پایه‌ی تحلیل متن استوار بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر منابع و اسناد مکتوب شکل گرفته است. طبق یافته‌های این پژوهش شاهد تجلی عناصر زنانه در سبک پوشش مردان در اوایل سلطنت قاجار هستیم؛ به طوری که فقدان بازنمایی‌های جنسیتی در آن به چشم می‌خورد. اما به تدریج و با تأسی از سبک لباس مردانه اروپایی که در آن زمان کاملاً از لباس زنان متمایز شده بود، دستخوش تحولات چشمگیری شد؛ تحولاتی که از جنسیتی شدن پوشاک حکایت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: دوره قاجار، مد و لباس، جنسیت.

مقدمه

در جهان مادی، لباس‌ها نگران‌کننده‌ترین اشیا هستند، زیرا آن‌ها از نزدیک با بدن انسان و چرخه‌ی حیات او درگیر هستند. آن‌ها شیء هستند، اما تصویر نیز هستند. آن‌ها زیرکانه‌تر از بسیاری اشیا و کالاها ارتباط برقرار می‌کنند، دقیقاً به این دلیل که رابطه‌ی صمیمی با بدن ما و خودمان دارند ... (ویلسون، ۱۳۹۷: ۷)

تاریخ تحول لباس، بخشی از تاریخ بشر به شمار می‌رود که بدون شناخت آن فهم ما از تاریخ تمدن انسانی نارسا است. یکی از دوره‌هایی که پوشاک ایرانی با دگرگونی‌های بسیاری روبه‌رو شد، دوره قاجار است. تغییراتی که ناگزیر دیر یا زود به درون جامعه راه پیدا کرد و پیامدهای آن تا به امروز مشهود است. این تغییرات گام به گام که نتیجه‌ی گسترش تعاملات ایران با اروپا می‌باشد، با حذف عناصری از لباس مردان که طبق معیارهای اروپایی زنانه محسوب می‌شدند، همراه بود. اما این که چرا و چگونه سلطه‌ی چنین معیارهایی بر سبک لباس ایرانیان امکان‌پذیر شده و آن‌ها را به ابزاری برای ارتقاء آگاهی از فردیتی جنسیتی شده بدل کرد، حوزه مطالعاتی دیگری را می‌طلبد. در واقع مکان‌شکل‌گیری این تغییرات را باید در تلاش‌هایی که در این دوره برای بازتعریف مفهوم جنسیت آغاز شده بود، جستجو کرد؛ مفهومی که از الزامات تفکر مدرن و نتیجه‌ی مواجهه با اروپا بوده و به صورت دوگانه زن و مرد تعریف می‌شد؛ مفهومی که مطالعه آن بدون توجه به زندگی جنسی ایرانیان ممکن نیست. باز تعریف مفهوم جنسیت و عوامل موثر بر آن در این دوره یکی از تحولات مسکوت‌مانده‌ای است که اخیراً مورد توجه پژوهش‌گران علوم انسانی قرار گرفته است. افسانه‌ی نجم‌آبادی تاریخ سده نوزدهم ایران را دوره‌ای دانسته که مشخصه‌اش تغییر در الگوهای جنسیتی است؛ تغییراتی که به دنبال دگرگونی امور جنسی در این دوره ایجاد شد. (۱۴: ۲۰۰۶, Najmabadi) با وجود اهمیت زیاد این حیطه‌ی پژوهشی، مطالعه‌ی مستمر در این زمینه صورت نگرفته است؛ گو این که همین امور نیندیشیده شرایط امکان‌شکلی خاص از تأمل را در محدوده‌های مختلف فراهم کرده‌اند. از آنجایی که جنسیت یکی از دغدغه‌های ذهنی مد است و «مد مرزهای جنسیتی را تعریف و بازتعریف می‌کند» ارتباط تنگاتنگی میان این مولفه با تغییر لباس وجود دارد. (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۵۳) به طوری که این موضوع نقش به‌سزایی در واگرایی لباس دو جنس در اروپا داشته است. بنابراین نوشتار پیش‌رو نگاهی کوتاه به تغییر پوشش مردان اروپایی به ویژه در انگلستان و فرانسه خواهد انداخت؛ تغییراتی که تعریف جدیدی از مردانگی به همراه داشته است. سپس به بررسی پوشش مردان دوره قاجاریه در دو دوره جداگانه پرداخته می‌شود؛ «دوره اول دوره‌ای است که هنوز ارتباطات با دول خارجی توسعه نیافته است» (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۴۸) و «تمایز کم بین لباس زن و مرد، گروه‌های سنی و شغلی، تشابه نسبی ترکیب و اجزای لباس و دلالت قومی، مذهبی و سیاسی رنگ‌ها» ویژگی بارز آن است. (مبینی و اسدی، ۱۳۹۶: ۵۷) با ورود تجار و فرستاده‌های دول اروپایی به ایران و همچنین حضور فرستاده‌های ایرانی در اروپا، تحول چشمگیری در پوشاک به وجود آمد. بخش عمده این تغییرات راه به سوی مردانه‌تر شدن لباس دارد که بی‌ارتباط با زندگی جنسی آنها در این دوره و نگاه تحقیرآمیز اروپاییان به این قضیه نبوده است. در این دوره لباس مردان قاجار که در ظاهر تشابه چشمگیری با لباس زنان داشت به تدریج در راستای بازنمایی‌های جنسیتی، ظاهری اروپایی به خود گرفت.

روش تحقیق

این نوشتار با رویکرد کیفی و به شیوه توصیفی-تحلیلی به مطالعه‌ی اسناد نوشتاری به ویژه منابع تاریخی به جامانده از دوره قاجار می‌پردازد. با توجه به الگوبرداری که در این دوره از لباس مردان اروپایی به عمل آمد، ابتدا تغییر و تکوین معیارهای جدید پوشاک مردانه اروپا و عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب تعریف اروپاییان از لباس مردانه بر ما روشن خواهد شد. سپس لباس مردان قاجار در دو بازه‌ی زمانی قبل و بعد از گسترش مناسبات با اروپا توصیف می‌شود. در نهایت به تحلیل چگونگی تغییر لباس مردان با توجه به تغییر مفهوم جنسیت و عوامل موثر بر آن که نقش مهمی در تغییر پوشاک مردان و تمایز آن با پوشاک زنانه در دوران مورد بحث داشته، می‌پردازد. شایان ذکر است، اسناد شامل متون سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌های مربوط به دو دوران نام برده است که گردآوری و تدوین مطالب این نوشتار با توجه به آن‌ها صورت گرفته است.

پیشینه‌ی تحقیق:

از آنجایی که پژوهش حاضر محل تلاقی مفاهیم مجزایی چون «مد و لباس»، «دوره قاجار» و «جنسیت» است، هریک از کلیدواژه‌های یاد شده ادبیات و پیشینه‌ی مجزایی را در برمی‌گیرد. در حوزه‌ی مد و لباس کتاب مشهور «زبان مد»^۱ به عنوان مرجع اصلی و جامع برای پژوهشگران این عرصه و کسانی که به دنبال درک اهمیت و قدرت فرهنگ سازی مد هستند، محسوب می‌شود. این کتاب شامل بهترین نوشته‌های رولان بارت^۲ (۲۰۱۳)، از مد و لباس و قدرت نشانه‌شناختی آنهاست، همچنین در این مقالات از تاریخ لباس، اهمیت فرهنگی طراحانی همچون کوکو شانل، هیپی‌ها و اهمیت رنگ و جواهرات در مد سخن به میان می‌آید. آلیسون لوری^۳ (۲۰۰۰)، در کتاب «زبان لباس»^۴ نخست از لباس و توانایی آن در اطلاعات بسیاری که می‌تواند در مورد افراد ارائه دهد، صحبت می‌کند و سپس به تبیین نظرانی در مورد چگونگی تأثیر دگرگونی‌های جنسی، تحولات سیاسی و ساختار طبقاتی بر روی لباس می‌پردازد. از دیگر آثاری که مد محور اصلی مباحث مطروحه آن محسوب می‌شود، کتاب «رویای آراستگی»^۵ به قلم الیزابت ویلسون^۶ (۲۰۰۳) است در این کتاب به بیان تاریخچه اجتماعی و فرهنگی مد و ارتباط پیچیده آن با مدرنیته تأکید می‌شود. ویلسون از نخستین کسانی است که قدرت مد را در برساختن هویت سوژه غربی از یک سو و فرونشاندن آن از سوی دیگر نشان می‌دهد. در کشور ما اکثر مطالعات مربوط به مد تنها در حیطه تاریخ لباس گنجانده می‌شود، یکی از مهمترین این مجلدها کتاب «هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی» اثر مهرآسا غیبی^۷ (۱۳۸۴)، است. در این کتاب در سیزده فصل ضمن شرح مختصری از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در طی هشت هزار سال، هریک از عناصر پوشاک و آرایه‌های زنان و مردان روایت می‌شود. کتاب «شناخت پوشاک ایرانی؛ زنان، زیبایی و کارکرد» دستاورد پژوهشی سیدراضیه یاسینی^۸ (۱۳۹۶)، است. در این نوشتار مولف به دنبال شناسایی شاخصه‌های هویتی پوشاک ایرانی زنان در جغرافیای فرهنگی ایران از یک سو و جغرافیای طبیعی ایران معاصر از سوی دیگر با هدف بازتولید پوشاک زنان ایران معاصر است. کتابی با عنوان «پوشاک دوره قاجار»، نوشته‌ی سهیلا شهشهانی^۹ (۱۳۹۶)، از جمله کتاب‌هایی است که به تبیین پوشش در دوره قاجار می‌پردازد. مولف در این کتاب به زمینه تاریخی و اقتصادی لباس، انواع لباس مردانه، زنانه و کودکان و تمامی اقشار جامعه، لباس و مراسم‌های مختلف و جغرافیای لباس دوره قاجار

^۱ The Language of Fashion (Bloomsbury Revelations)

^۲ Roland Barthes

^۳ Alison Lurie

^۴ The Language of Clothes

^۵ Adorned in Dreams: Fashion and Modernity

^۶ Elizabeth Wilson

پرداخته است. مهناز جهانی و سحر چنگیز هم در مقاله ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی مد لباس بانوان دربار فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه قاجار» به صورت تطبیقی اشتراکات و تفاوت های لباس بانوان قاجار در دو دوره مجزا را مورد بررسی قرار می دهند. این پژوهش نشان می دهد پابندی زنان قاجار به مذهب، عامل بازدارنده مهمی در برابر تغییر کامل سبک پوشش بانوان بوده است.

در باب مبحث جنسیت^۷، بدون شک جامع ترین و بسیط ترین اثری که می توان بیان کرد کتاب «تاریخ جنسیت»^۸، نوشته اندیشمند فرانسوی میشل فوکو (۱۹۸۴، ۱۹۷۶)، است. مولف در این کتاب جنسیت را به عنوان مفهومی تاریخی و ابزاری گفتمانی مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. جلد اول «اراده به دانستن»^۹ در سال ۱۹۷۶ منتشر شد انتشار جلد دوم و سوم آن با عنوان «کاربرد لذت ها»^{۱۰} و «مراقبت از خود»^{۱۱} به سال ۱۹۸۴ می باشد و جلد چهارم آن که بعد از مرگ فوکو و در سال ۲۰۱۸ انتشار یافت «اعترافات تن»^{۱۲} نام دارد. در این کتاب چگونگی سرکوب و سانسور امر جنسی و ارتباط آن با قدرت و دانش مورد واکاوی قرار می گیرد. کتابی شامل مقالات مختلفی که به کلمات کلیدی و مفاهیم جنبه های جنسی اشاره دارد، کلمات و مفاهیمی که تغییر و تحول مفهوم زندگی جنسی را منعکس می کند. «کت و شلوار و جنسیت»^{۱۳} کتابی از آن هالندر^{۱۴} (۱۹۹۴)، مقاله نویس و منتقد هنری است. او که در این کتاب ضمن بیان واگرایی مد زنان و مردان در قرون وسطی و همگرایی اش تا اواخر قرن بیستم، این ایده را مطرح می کند که مردان طراحان واقعی سبک پوشش و مد شده اند و در واقع مد زنان از سبک مردان وام گرفته است. «سیاست های جنسی در ایران مدرن»^{۱۵} عنوان کتابی است که مروری تشریحی از تصورات ایرانیان در مورد جنسیت در صد و پنجاه سال اخیر داشته اند. افسانه نجم آبادی در کتاب «زنان سیبیلو و مردان بی ریش: نگرانی های جنسیتی در مدرنیته ایرانی» ماجرای دگرگونی امور جنسیتی و امیال جنسی را در دوران قاجار روایت می کند و نشان می دهد که چگونه ایران در مواجهه با غرب در قالب مفاهیمی چون ملت، تمایلات جنسی، وطن و علم دگرگون شده است.

مبانی نظری تحقیق:

جنسیت مبهم در لباس سنتی ایرانیان

طبق روایت های تاریخی ایرانیان اوایل قاجاریه دنباله رو سبک پوشش پیشینیان خود در دوره های صفویه و زندیه بوده اند؛ پوشاک این عصر متشکل از تن پوش هایی چند لایه و دوخته شده از پارچه های مجلل بود که در آن پیراهن، قبا، بالا پوش یا عبا، شلوار، کمر بند، سرپوش (که شامل کلاه یا عمامه در نزد مردان و کلاه، چارقد و چادر در نزد زنان بود) و پای افزار، اجزای جدایی ناپذیر پوشش ایرانیان در دوره صفوی بوده اند. مینیاتور ها در آغاز عصر صفوی مردان را در نیمتنه هایی کوتاه، با آستین هایی بلند و پیراهن و شلوازی در زیر آن مجسم می ساختند. گاهی بر روی این نیمتنه جبه ای گشاد یا کمردار با آستین هایی بلند و آویخته

^۷Sexualite

^۸Histoire de la sexualite

^۹La Volonte de savoir

^{۱۰}L'

^{۱۱}Le

^{۱۲}Le

^{۱۳}Su

^{۱۴}Ar

^{۱۵}Se



از پارچه ای ضخیم و آهار دار پوشیده می شد. از دیگر عناصر پوشاک مردان عمامه ای چوبک دار بود که بر قامت مردان صفوی می افزود. پوشاک زنان صفوی از لایه هایی مشابه مردان، درست می شد. آن ها پیراهن بلندی تا مچ پا و در زیر آن پیراهنی کوتاه تر با شلوار، یا شاید پیراهنی با کلیجه یا نیمتنه ای کمر تنگ زنانه تا بالای زانو به تن می کردند. زنان صفوی برای پوشاندن موهای خود از روسری به نام چارقد استفاده می کردند و به هنگام خارج شدن از خانه سر تا پای خود را در چادری سیاه رنگ و بلند می پوشاندند. (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۶۲) همان گونه که مشاهده می شود ویژگی اصلی پوشش دوره صفوی شباهت لبلس دو جنس می باشد. میزان این تشابهات تا جایی بود که حتی «پوشاک اصلی مردان و زنان تا حدودی قابل تعویض بود» و تنها عناصری از پوشش که بر جنسیت افراد دلالت داشتند، «سربند ها، عمامه ها، و کلاههای مردان» و همچنین «سربند زنان و لباس بیرون از خانه» آن ها بود. (سوداوردیبا، ۱۳۹۳: ۱۹۶) (تصاویر ۱ و ۲)



تصویر ۱: زنان در دوره صفویه، منبع (شاردن؛ ۱۳۴۵)

تصویر ۲: لباس مردان عصر صفویه، منبع: (شاردن؛ ۱۳۴۵)

در سده هفدهم م. با وجود تاثیر پذیری از سبک های خارجی و ارائه انواع جدیدی از لباس های اصلی، در پوشاک زنان و مردان عصر صفوی تمایزی ایجاد نشد. به طور مثال «کاری»^{۱۶} در این مورد می نویسد: «لباس زن ها فرقی با لباس مردان ندارد. جلو پیراهن باز است و با کمربندی بسته می شود. دامن پیراهن تا قسمتی پایین تر از زانو می رسد و آستین های پیراهن روی مچ دست محکم می شود. زن های ایرانی کلاهکی روی سر می گذارند، دور کلاهک زنان ثروتمند سکه های طلا و نقره و سنگ های قیمتی دوخته می شود. دختران و زنان جوان نوار پارچه ای از پشت سر آویزان می کنند که به کیسه ای مخملی منتهی می شود و گیسوان خود را توی آن کیسه جای می دهند و روی دوش می اندازند. کفش های زنان شبیه کفش های مردان است منتهی با رنگ های گوناگون و ظریفتر از آنها.» (کاری، ۱۳۴۸: ۱۳۵ و ۱۳۶).

پوشاک دوران افشاریه و زندیه تفاوت چندانی با دوره صفویه نداشته و ادامه همان سبک پوشاک دوره ی قبل بود است، اما در مجموع ساده تر و کم آرایه تر. در این دوران تشابه پوشاک مردم ایران با سبک پوشاک اروپایی بیشتر به چشم می آید. (مبینی و اعظم اسدی به نقل از متین ۱۳۹۶، ۷۳) به طوری که ناظران اروپایی ضمن این که این سبک را جذاب، زیبا و در عین حال ساده توصیف کرده اند، به شباهت آن به «پوشاک اروپایی و مقایسه آن با ردهای گشاد بلند ترک های عثمانی» نیز اشاره نموده اند. (سوداور دیبا ۱۳۹۳، ۲۱۲). پوشاک زنان افشاری ضمن سادگی و بی پیرایگی شباهت بسیاری به پوشاک مردان داشت، با این

^{۱۶} جوانی فرانچسکو جملی کاری جهانگرد ایتالیایی است که در اواخر سده هفدهم به سراسر جهان از جمله ایران سفر کرد. مشاهدات وی در شش جلد کتاب به ثبت رسیده است. در جلد دوم کتاب با عنوان «مشاهدات جالب در ایران در سال ۱۶۹۴م» به شرح سفر خود در ایران پرداخته که با عنوان سفرنامه کاری در ایران به چاپ رسیده است. (سفرنامه-کاری / <https://fa.wikipedia.org/wiki/>)

تفاوت که در دوخت آن‌ها از پارچه‌هایی ظریف‌تر و خوش‌نقش و نگارتر استفاده می‌شد. در دوره زندیه تغییر مختصری در پوشش زنان به وجود آمد. در این دوران اگر چه پوشاک بانوان ایرانی از لحاظ جلال و شکوه به پای دوران صفویه نمی‌رسید ولی آثار ظرافت زنانگی در آن‌ها به چشم می‌خورد (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۲۶-۵۳۷).

چگونگی تکوین و توسعه لباس مردانه در اروپا با مفهوم جنسیت

در اروپا «تا قرن هفدهم یا حتی هجدهم تفاوت جنسیتی در لباس چندان بارز نبود.» (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۵۳ و ۱۵۴) (تصویر ۳) حتی تا پیش از آن لباس‌های مرد روز به قدری به هم شبیه بودند که تشخیص مردان از زنان از فاصله دور دشوار بود. ویلسون فقدان وجه جنسیت در پوشش آن دوره را چنین شرح می‌دهد: سبک‌های عجیب و ساختگی لباس در سده شانزدهم میلادی لباس را تبدیل به پوسته‌ای خشک و انتزاعی کرد، سبکی دو جنسیتی که در آن زنان و مردان ظاهراً سینه‌هایی تخت داشتند و لباس‌هایی برودری و قیطان دوزی شده با یقه‌های طوقی می‌پوشیدند که همزمان هم مردانگی کلاه‌های بدنه بلند و هم شکوه دو جنسیتی نیم‌تنه‌های جواهر نشان و چاک‌دار را با خود به همراه داشت. (همان: ۱۵۴) در قرن هفدهم، به ویژه در فرانسه موهای مجعد و حلقه‌حلقه، کلاه‌ها، نیم‌تنه‌های ابریشمی و توری، کت‌ها، دست‌گرم‌کن‌های خز، جوراب‌ها، چین‌های تور، گوشواره و دستکش‌ها برای هر دو جنس متداول بود. هم زنان و هم مردان از پودر مو، روبان، پاپیون، کراوات، شرابه، سگک روی کفش پاشنه بلند و لوازم آرایش استفاده می‌کردند. (ویل کاکس، ۱۳۸۳: ۲۲۳-۲۱۵) اگرچه مد به واسطه سلسله مراتب طبقاتی و جنسیتی شکل گرفته بود اما هنوز به طور جدی به عنوان یک مد جنسی زنانه نشده بود. (M. Jones, ۲۰۰۴: ۲۶)



تصویر ۳: لباس دربار فرانسه، ۱۶۷۰، حاشیه های چین دار و فر موهای مناسب دو جنس، منبع (ویلسون؛ ۱۳۹۴)

نخستین زمزمه های تغییر لباس مردان از دربار چارلز دوم پادشاه انگلستان شنیده شد. تا پیش از آن مردان انگلیسی تا حد بسیار زیادی از سبک پوشش فرانسویان الگوبرداری می کردند. اما در قرن هفدهم و به دنبال انگیزه های سیاسی ضد فرانسوی تلاش همگانی برای تغییر لباس مردان به راه افتاد؛ تلاشی که به مردانه تر شدن لباس جنس مذکر انجامید. لباس طراحی شده از کت راسته و بدون آرایه ای که ظاهری با وقار و مردانه به اندام مرد می داد، این کت همراه با جلیقه و شلوار سه ربع کمابیش چسبان، نمایان گر تلاش های انجام شده جهت تغییر لباس مردان انگلیسی و متمایز کردن آن از پوشاک فرانسوی هم عصرش (اواسط سده هفدهم م.) بود. کت مزبور که از لباس مردانه ایرانی در دوره صفوی اقتباس شده بود به کت پارسی معروف شد و دارای چنان فرم و برشی بود که ظاهری مردانه به پوشنده خود می داد. (مکنزی، ۱۳۹۱: ۱۹)

در اوایل دوره انقلاب صنعتی بود که «لباس تمایز جنسیتی را به شکل بارزتری نشان می داد. مد به ابزاری مهم در ارتقای آگاهی از فردیت جنسیتی شده بدل شد.» (ویلسون، ۱۳۹۴: ۱۵۵) این تغییرات ابتدا در انگلستان که خاستگاه انقلاب صنعتی بود، رخ داد. طی این اتفاق که در تاریخ لباس «روگردانی بزرگ مردانه خوانده شد. [...] مردان کلیه خودنمایی ها برای زیبایی را کنار گذاشتند و زنان به تنهایی بابه کار گیری لباس به عنوان شکلی از نمایش به این کار ادامه دادند» (همان: ۳۷ و ۳۸) در نهایت مردان اروپایی تمامی نمایش های زیبایی و جلوه های متظاهرانه رنگ و تزیین را از پوشش خود دور کردند، لباس ها با شیوه ی جدیدی برای مردان برش خورده و دوخته می شد و از همین تاریخ به بعد است که «همه ی انواع کت و شلوارهای مدرن، به گونه ای برش خورده اند که نشان دهنده ی بدنی مردانه با شانه های پهن و سینه ای عضلانی هستند و همچنین شکمی صاف، کمری باریک و پاهای بلند و کشیده» (Hollander, ۱۹۹۴: ۸۴) (تصویر ۴)



تصویر ۴: مردی پوشیده در کت و شلوار تیره و نسبتاً ساده، ۱۸۶۴ م. نشنال تراست، کیلرتون هاوس اگزتر، انگلستان منبع (مکنزی ۱۳۹۱)

تمایزی که بین لباس مردان و زنان ایجاد شد «به همان اندازه که بیانگر جنسیت بود بیانگر تمایلات جنسی نیز بود.» (ویلسون، ۱۳۹۴: ۳۹) در سده نوزدهم بدین سو هویت هر فرد را گرایش جنسی اش تعیین می کرد. به عنوان نمونه همجنس خواهی تا پیش از سده نوزدهم از جمله اعمال ننگ آور مردان محسوب می شد، اما به تدریج این کردار جنسی نوع خاصی از فرد را پدید آورد و به این گونه افراد به چشم بیماران جنسی نگریسته شد. این نوع طبقه بندی که بر اساس گرایش جنسی انجام می شد باعث شد تا رابطه و میل جنسی به موضوعی مشروع برای مطالعه علمی بدل شود. (میلز ۱۳۹۷، ۱۳۹) فوکو در بخشی از کار خود به تحلیل تشکیل تصویر کلیشه ای از همجنس خواهان می پردازد: «در متون سده نوزدهم تصویری کلیشه ای از همجنس خواهان یا وارونه ها، ارائه شده است: نه تنها خلق و خوی ایشان، طرز رفتارشان، شیوه آرایش کردن شان، و ریخت شناسی تمامی بدن شان معمولاً در این توصیفات تحقیر آمیز آمده است.» و به بررسی این نکته می پردازد که چطور چنین تصویری به نمادی برای این گرایش بدل گردید. (همان: ۱۵۰ و ۱۵۱) در این تصویرسازی ای که از همجنس خواهان شده بود، لباس به نشانه معناداری برای میل تبدیل شد. بنابراین «جای تعجب نیست که شاهد سبک مردانه لباس بودن، به طوری که نشان دهد زن صفت نیستید، اهمیت ویژه می یافت. کلیشه سازی فزاینده جنسی در خصوص لباس به صورت مکانسیم دفاعی در برابر ترس ها و نگرانی های جدید عمل می کرد.» (ویلسون، ۱۳۹۴: ۳۹)

پوشاک مردان در آغاز پادشاهی قاجاریه

دوره قاجاریه از اوایل قرن سیزدهم ه.ق آغاز می شود و به عنوان نخستین دوره نزدیکی و رویارویی با اروپا از اهمیت بسیاری برخوردار است. با این حال در اوایل این دوره هنوز ارتباط با دولت های خارجی توسعه نیافته و تماس فکری با آن ها چنان که باید صورت پذیرفته بود. بنابراین همان گونه که از نوشته ها و تصاویر استناد می شود سبک پوشش از دوره های قبل پیروی می کند.

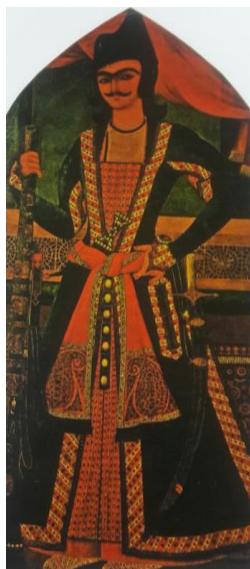
(غیبی، ۱۳۸۵: ۲۸۷) در این دوره «زنان و مردان زیبا، با ویژگی های بسیار مشابهی از نظر بدنی و چهره به تصویر در می آمدند. گاهی تنها وجه تمایز مرد از زن در بازنمایی های تصویری پوشش سر در آنها بود» (نجم آبادی، ۱۳۹۷: ۳۵) (تصویر ۵)



تصویر ۵: نقاشی دو عاشق شباهت لباس مردان و زنان در دوره فتحعلی شاه، محل نگهداری موزه دولتی هنرهای زیبای تفریس، منبع (فالک ۱۳۹۳)

بسیاری از وجوه پوشش چون جبه های کمر باریک و بلند، کفش های پاشنه دار، پارچه خوش نقش و نگار و انبوه جواهرات گرانبها در لباس مردان قاجار استفاده می شد. به طوری که این ویژگی را می توان از نقاشیها و تک چهره ها و همچنین نوشته های باقی مانده از این دوره دریافت: «تمثالهای خودآرا و خودنمای فتحعلیشاه قاجار به نحوی خطا ناپذیر باز شناختنی است. چهره سازیهای متعدد، وی را با چشم و ابروی تیره و پرپشت، ریش «بهشتی وش» و «جبه زنبوری» متصنع و مرصع به طلا و جواهرات رنگارنگ نشان می دهند. درباریان وی با پوشیدن همان جبه های بلند، بیشتر از ترمه بوته جغه ای یا پارچه های نفیس خال خالی، و کمر بند های مزین، به ولی نعمت خود اقتدا می کردند.» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۹) منظور از جبه زنبوری همان قبا های دوره قاجار است که «تشخص فرد پوشنده را تعیین می کرد، در دوره اول سلطنت قاجاریه با دامنی بلند پوشیده می شد؛ بالا تنه آن تا کمر تنگ و چسبان بود و دامن آن به شکل کلوش یا ناقوس مانند بود [...] در بعضی از تصاویر، از جلو باز، دو پهلو چاکدار با آستین تنگ و بلند و سنبوسه دار گاهی جلوی دامن تا نیمه باز می باشد و به وسیله دگمه هایی تزیین یافته است و با کمر بندی با قلاب مُرّصع و یا ساده و یا شال کمر نگهداشته شده است.» (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۵۳) شاهزاده ویکتوریا «قبای چسبان ابریشمین» دو شاهزاده ایرانی را که در لندن به سر می بردند، این گونه توصیف کرده است، «جلو آن در نقطه ای از سینه باز است، با کمری بسیار تنگ و کشیده که شالی دور آن پیچیده شده. زیر یقه ی باز قبا پیراهن سفیدی دیده می شد و گردنشان برهنه بود.» (رایت، ۱۳۶۸: ۱۸۵)

کلیجه و شلوار زنان و مردان قاجاری دارای ظاهری مشابه بود. کلیجه «از جمله پوشش هایی بود که مورد استفاده ی پادشاهان و شاهزادگان، مردان و زنان و عموم و دراویش بود معمولاً مانند مانتویی بلند و جلو باز بود که مردان و زنان به یکسان استفاده می کردند.» (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۵۶) پارچه هایی که برای دوخت کلیجه ثروتمندان استفاده می شد، شامل مخمل، اطلس و سایر پارچه های مرغوب بود. (شهشهانی، ۱۳۹۶: ۶۱) (تصویر ۷) شلوار مردان و زنان ایرانی در این دوره مانند دوره زندیه دارای دمپایی گشاد و کمر لیفی بوده است. «شلوار مردان ایرانی بسیار گشاد از تافته گلی یا سرخ تیره است شلوار به وسیله ی لیفه ای که در آن بند ابریشمی کشی عبور داده شده است و در قسمت جلو گره می خورد بر روی کمر بسته می شود و پیراهن روی آن می افتد؛ شلوار تا قوزک پا پایین می آید و گشادی آن در این قسمت باز هم از بالای ساق پا زیادتر است.» (دروویل، ۱۳۸۸: ۵۰) (تصویر ۶)



تصویر ۶: شلوار شاهزاده قاجاری، پرتره یک شاهزاده با تفنگ چخماقی، اثر محمد حسن، منبع (فالك ۱۳۹۳)

در این دوره لباس مردان و زنان با تکنیک های مشابهی تزیین و آراسته می شد. «تمول ایران در زمان فتحعلی شاه، چه از لحاظ عینی و چه از لحاظ نمادین در پوشاک جواهر نشان و مروارید نشان مجلل مردان و زنان، از جمله در ردا ها، آویز های مروارید، بازو بندها، یقه ها و حاشیه های پوشیده از جواهر، هویدا بود.» (سوداور دیبا، ۱۳۹۳: ۲۲۰) آنچه که از توصیف مسافران خارجی و نقاشی های به جا مانده از این دوره بر می آید «تن پوشها از ابریشمهای گلدار متنوعی در طرحهای «بوته» ای بزرگ یا طرح های مشبک و گلدار دوخته می شد. نمونه های به دست آمده کمیابند، ولی ردای زربفت ابریشمی و آبی تیره با طرح بوته بزرگ و لبه ای سه گوش از یقه به سمت حاشیه، مدرکی است دال بر تکامل تدریجی این سبک. رداهای ساده همچون گذشته با حاشیه دوزی و منجوق یا قیطان تزیین می شد.» (همان: ۲۱۸) در برخی متون لباس مردان قاجار حتی زیبا تر و هنرمندانه تر از لباس زنان توصیف شده است: «لباس امروزی مردان بسیار باشکوه و هنرمندانه است. در بیرون خانه، بویژه در ایام نوروز، اغلب لباسهایی به رنگهای شاد سبز کاهویی، ارغوانی روشن، گلی و انواع بی شمار رنگهای آبی به تن می کنند که بیشترشان نو است. در طی سال رنگ بسیاری از لباسهایشان حنایی، خاکستری، و خرمایی کم رنگ است که بعضی از آنها همان لباسهای نو پیشین می باشند که رنگ باخته اند. روی آنها نیز عبایی پشم شتری، سیاه یا کرم گشاد بر شانه می اندازند. بر سر شال یا دستار می بندند، یا

کلاه نمدی بی لبه و چسبان و بلند و یا کلاه پوست بره بر سر می کنند. در برابر این تنوع رنگ و سبک، لباس یکنواخت زنان قرار دارد.» (کلیوررایس، ۱۳۸۳: ۱۱۵)

از جمله عناصر پوشش مردان، جوراب های پشمی و ابریشمی لطیفی بوده است که با عبارات خطاطی یا نقش گل های مختلف، طراحی شده بود؛ جوراب هایی که با کفش های سنتی پاشنه بلندی پوشیده می شد. (سوداوردیبا، ۱۳۹۳: ۲۱۸) مردان قاجاری کفش های راحت «سبز رنگی، نظیر کفش های زنان فرانسه» به پا می کردند. (دروویل، ۱۳۸۸: ۵۵) (تصویر ۷) الویویه در مورد این کفش ها چنین می گوید: «این کفش ها مشابه کفشی است که در فرنگستان پانتوفل^{۱۷} گوییم. تفاوتی در صورت ندارد، الا اینکه جوف این کفشها را یا از عاج، یا فلز و یا از چوب منقش کنند. اهل «دربخانه»^{۱۸} و برخی از کسانی که از آن تقلید کنند، در فصل زمستان کفشی پوشند که پاشنه آن به قدر دو سه اصبع [انگشت] بلند و از کیمخت^{۱۹} باشد که به ترکی ساغری گویند و به رنگ زرد است. [...] بر خلاف آنچه که کفش زنان ما با چرمی عالی دوخته می شود، روی این کفشها را با پوست اسب که به رنگ



سبز [متمایل به زرد] است صباغی کنند و نیز بپوشانند.» (الویویه، ۱۳۷۱: ۱۵۷)

تصویر ۷: فتحعلی شاه نشسته بر تخت نادری، تصویری از کفش های پاشنه دار مردان قاجار، منبع (علیمحمدی اردکانی ۱۳۹۲)

^{۱۷}. (pantoffeln) کفشی با تخت چوب پنبه ای و رویه نرم که پشت نداشت. این کفش که در خارج منزل پوشیده می شد در سده شانزدهم م. در فرانسه رایج بود. [۲۴، ص ۱۳۰]

^{۱۸} در دوره قاجار دربار سلطنتی را درخانه یا درب خانه می گفتند.

در نیمه اول قرن سیزدهم ه. ق «احیای صنعت ابریشم، بافته های مجللی را برای دربار به ارمغان آورد، [...] ناظران خارجی بشدت تحت تاثیر پوشاک سلطنتی باشکوه مردان قرار می گرفتند و توصیفات دقیقی ارائه می دادند و با نقاشیهای دیواری و نقاشیهای رنگ روغنی که حاکم برای کاخهای جدیدش سفارش می داد، تائید می شوند» (سوداور دیبا، ۱۳۹۳: ۲۱۶) برخورد نزدیک با سبک پوشش اروپاییان به اوایل قرن نوزدهم می رسد، زمانی که شاهان قاجار به دنبال توسعه روابط دیپلماتیک با قدرت های اروپایی، درباری رسمی در ایران ایجاد کردند و متقابلاً فرستاده هایی را به اروپا فرستادند. پوشش مردان ایرانی ای که برای نخستین بار پا به اروپا گذاشته بودند، به سوژه ی دیدنی مردم آنجا بدل شده بود. به طور مثال میرزا ابولحسن خان شیرازی فرستاده ی مخصوص فتحعلیشاه به دربار انگلستان «روزهای یکشنبه به همراه آدمهای متجدد در پارک کنزیگتن قدم میزد و حضور او در پارک در جامه ی رنگارنگ ایرانی توجه زیادی را جلب می کرد.» (رایت، ۱۳۶۸: ۱۲۰) (تصویر ۸).



تصویر ۸: ابوالحسن خان شیرازی فرستاده فوق العاده فتحعلی شاه دربار پادشاه انگلستان، نقاشی از سر ویلیام بیجی، منبع (رایت ۱۳۶۸)

پوشاک مردان قاجار پس از مواجه و تماس فکری با غرب

پرتره های ایرانی در اوایل قرن سیزدهم نشان دهنده بروز تحولاتی در شیوه پوشش است، به گونه ای که جامه بلند و دامن دار ظاهراً منسوخ شده جای خود را به کت بلند و شلوار داده است. به عنوان مثال در سال ۱۲۵۵ ه. ق نقاش دربار، محمد حسن افشار، پرتره رنگ روغنی از محمد شاه نقاشی کرد که او را در کنار یک توپ، با کت بلند و شلوار نشان می دهد. (مبینی و اسدی به نقل از ورنوییت: ۱۳۹۶، ۹۰) محمد شاه علاوه بر این که خود لباس کوتاه به تن کرد، به مردم و درباریان هم توصیه نمود «که لباس بلند را که علامت تکبر بی موضوع است ترک گویند» اما لباس رسمی صاحب منصبان دربار در این زمان همان جبه و شال کلاه باقی ماند. (مستوفی، ۱۳۷۱: ۵۳) کنت دوسرسی سفیر فرانسه در دوره محمد شاه، لباس شاه را چنین توصیف می کند «لباسی که شاه برتن داشت چندان دلفریب نبود، ولی درخشندگی داشت، کلاهی از پوست بخارا بر سرش بود که تاجی از الماس آنرا آرایش می

داد. گردنبند مروادی^{۲۰} داشت لعل کبود و زمرد به سینه و کمر او آویزان بود، به طوری که اراخلق قرمزی که به جای ردای بلند به مناسبت این تشریفات بر تن کرده بود تقریباً دیده نمی شد. بر خلاف پدر بزرگش فتحعلیشاه ریش کوتاهی داشت که به طور معمول در میان قبیله قاجار موسوم است. به تقلید از محمد شاه، شاهزادگان و درباریان و اعیان، امرا و حکام نیز لباسهایشان را تغییر دادند.» (شریعت پناهی به نقل از دوسرسی، ۱۳۷۲: ۹۵) (تصویر ۹)



تصویر ۹: نقاشی محمد شاه قاجار از صنیع الملک، منبع (<https://fa.wikipedia.org/wiki/محمدشاه>)

دگرگونی سبک پوشش در این زمان، در مقایسه ای که میان لباس فتحعلی شاه و محمد شاه توسط «سولتیکف» صورت گرفته به روشنی مشخص است؛ «...دیگر لباسی از ابریشم زرد که تمام آن با مروارید هایی بدرستی خلر^{۲۱} دوخته شده. این لباس را از آن جا شناختم که همان لباسی است که فتحعلی شاه در تصویری بزرگتر از طبیعت، که توسط یک نقاش تهرانی کشیده شده و من از او در روسیه دارم، پوشیده است. [...] در پهلوی این جبه طویل سلطنتی قدیمی و در همان گنجه، و در زیر شیشه، لباس سلام شاه فعلی، محمد شاه، که تقلیدی از لباس نظامی اروپائی و از ماهوت آبی میباشد و یقه و اطراف سینه آن مزین به الماس است با تکه های یاقوت و سردوشی هائی از زمرد های بزرگ تشکیل شده و از آنها شرابه های مروارید درشت آویزان است، قرار دارد.» (سولتیکف، ۱۳۶۵: ۷۹)

^{۲۰} به نظر میرسد منظور شریعت پناهی از مروادی، همان مروارید باشد.

^{۲۱} بنا بر تعریف دهخدا خُلر گیاهی است که میوه های آن در غلافی مانند باقلا قرار داشته و دانه هایی تقریباً گرد دارد.

در دوره ناصرالدین شاه تغییر پوشاک با سرعت بیشتری پیش رفت. پولاک در توصیف لباس نیمه اروپایی نیمه ایرانی ناصرالدین شاه چنین می نویسد: «به طور عادی وی (ناصرالدین شاه) نیز مانند سایر ایرانیان کلاهی بر سر می گذارد که قدری کج قرار گرفته است. پیراهنی دارد با برش اروپائی، دستمال گردن، یک ارخالق از شال و روی آن قبائی با یقه ایستاده برنگردانده از زری ابریشمین فرانسوی با تکمه هائی از برلیان که با کمربندی پهن و طلائی نگهداشته شده [...] جبه شاه پوستی است که با لطیف ترین شال و پوست پشت سنجاب آستر شده و آستین های کوتاهی دارد که فقط تا آرنج را می پوشاند.» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱۰۹) (تصویر ۱۰)

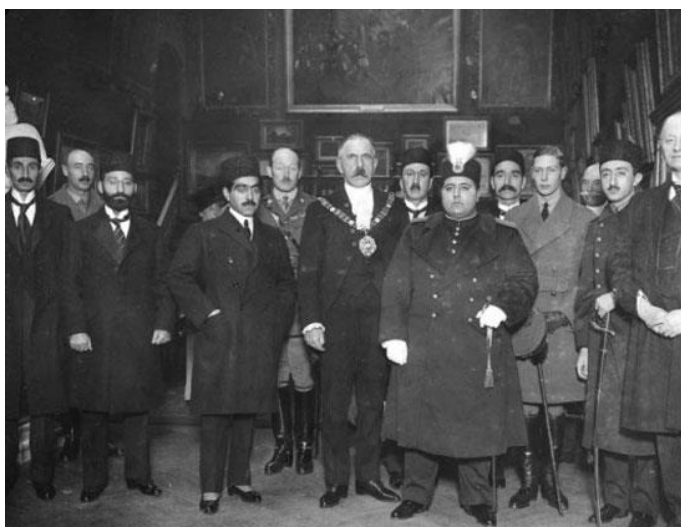


تصویر ۱۰: ناصرالدین شاه در لباس نیمه اروپایی و نیمه ایرانی، منبع:
<https://www.asriran.com/fa/news/۳۹۱۱۷۳>/سلفی-ناصرالدین-شاه-قاجار-عکس)

به تدریج لباس مردان کوتاه و کوتاه تر شد و از اواخر سده سیزدهم بالا پوشی شبه اروپایی موسوم به «سرداری» جایگزین جبه های اوایل سده سیزدهم ه.ق شد. این لباس ابتدا در پوشاک نظامی رایج شد و به صورت جامه ای کمر چین و تا بالای زانو بود که همراه با شلواری با برش اروپایی پوشیده می شد. «تنبانهای گشاد قصب سورمه ای به شلواری تنگ ماهوت و قباهای راسته بکمرچین و کلاههای دراز بکلاه یک چارکی مبدل شد.» (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۱۸) این نوع لباس، به سرعت به لباس شهروندی مردان تبدیل شد و در همین زمان بود که «البسه ی درباری تن پوشهای رنگی و با شکوه دوران فتحعلیشاه جای خود را به پیراهنهایی گاه با کراوات، بالا پوشهای تیره رنگ با دوخت نظامی یا شخصی اروپایی و شلواری صاف و گشاد، گاهی حتی با راه

راههای نظامی روی درزهایش، داد. تا سال ۱۳۱۱ ق/ ۱۸۹۳ م. «کت فراک»^{۲۲} رایج شده بود، ولی سبک تنگ و چسبان اروپایی به نظر ناشایست می آمد. بنابراین نوع ایرانی لباس بر اساس مدل‌های ترکی با چینهایی در کمر و آستینهایی گشادتر شکل گرفت.» (سوداوردیبا، ۱۳۹۳: ۲۲۲)

در اواخر سلطنت ناصر الدین شاه «اروپایی دیده‌ها و آنهایی که شیفته تمدن و معرفت جدید بودند لباس طرز اروپایی در بر می کردند و کلاه فرنگی به سر می گذاشتند از صاحب منصبان دولت ۴۰ درصدشان به طرز اروپایی و ۶۰ درصد به رسم ایرانی لباس می پوشیدند.» به طور کلی با نزدیک شدن به اواخر دوره قاجار، تغییر و تحولات پوشاک و لباس ایرانیان چشمگیرتر شد. به طوری که جامه‌ی مردان و زنان صورت اروپایی به خود گرفت و «آخرین وارثان سنت خیاطی مجلل ایران آن قبایل و ایلاتی بودن که به تعزیز جامه‌های اجدادی خود وفادار ماندند» با این وجود حتی پوشش این افراد هم در حال تغییر تدریجی بود. (فریه ۱۳۷۴، ۱۶۹) (تصویر ۱۱) در اواخر دوره قاجار استفاده از زر و زیور در میان مردان کمتر از گذشته بود. دلیل این امر را می توان در تغییر سبک پوشش این دوره جستجو کرد و این که «جامه پوشی به شیوه جدید اروپایی کمتر با استعمال جواهر و زیور پرستی ایرانیان جور درمی آمد.» (همان، ۱۹۴)



تصویر ۱۱: احمد شاه قاجار در کنار پرنس البرت، تصویری از پوشش اروپایی شاه و مقامات ایرانی در اواخر دوره قاجار،

منبع: (احمد-شاه-قاجار-در-کنار-پرنس-البرت-عکس <https://www.asriran.com/fa/news>)

تحلیل

پوشاک دوره قاجاریه در ابتدای این دوره و تا پیش از ورود اروپاییان به ایران دنباله‌رو سبک پوشاک قبل از خود بوده است. ویژگی بارز این سبک همان گونه که مشاهده شد، تشابه زیاد پوشش مردان به لباس زنان است؛ ویژگی‌ای که از نگاه کنجکاو اروپاییان دور نمانده است. میزان این تشابهات تا جایی بود که حتی «پوشاک اصلی مردان و زنان تا حدودی قابل تعویض بود» و تنها عناصری از

^{۲۲} کت فراک که در اوایل سده نوزدهم میلادی در انگلستان رایج شد دارای یقه ای بلند و برگشته بود. دنباله‌ی کت را جدا می بردند تا بتوانند کمر را تا اندازه‌ی ممکن تنگ کنند. قسمت‌های بالا و پایین کت را لایی دوزی می کردند تا کمر باریک‌تر جلوه کند. (ویل کاکس ۱۳۸۸، ۳۰۶)

پوشش که بر جنسیت افراد دلالت داشتند، «سربند ها، عمامه ها، و کلاه‌های مردان» و همچنین «سربند زنان و لباس بیرون از خانه» آن‌ها بود. (سوداوردیبا، ۱۳۹۳: ۱۹۶) اروپاییان در یادداشت‌های خود ویژگی‌ها و عناصر مشترک لباس زنان و مردان قاجاری را با موشکافی هر چه تمامتر توصیف می‌کنند؛ مانند قبا‌های بلند و کمرچسبان، منقوش بودن پارچه‌ها به انواع طرح‌های انتزاعی و نقوش طبیعی، استفاده افراطی از تزیینات و زیورآلات و یا کفش‌های پاشنه بلند که مورد استفاده هر دو جنس بود. حتی در برخی از نوشته‌ها لباس مردان ایرانی با لباس‌های زنانه اروپایی مقایسه می‌شود. به طور مثال کفش‌های مردان ایرانی در نوشته‌های الولیویه و همچنین دروویل با «پانتوفل» مقایسه می‌شود؛ کفش‌های پشت‌باز و پاشنه‌داری که زنان فرانسوی در سده هفدهم به پا می‌کردند.

نوعی آشفتگی جنسیتی در پوشاک مردان قاجار مشاهده می‌شد که مغایر با معیارهای نوین لباس مردانه در نزد مسافران اروپایی بود. تاکید بر قبا‌های بلند با کمرهای باریک به علاوه تزیینات فراوان و استفاده از پارچه‌های پر زرق و برق،... تصویر قواره‌ی اغراق‌آمیز زنانه را برای ایشان منعکس می‌کرد. برای نمونه دروویل در مورد قبا‌ی مردان ایرانی که روی بقیه‌ی لباس‌ها پوشیده می‌شد، چنین می‌نویسد: «مردان ایرانی معمولاً قبا‌های بلندی که تا زیر کمر بسیار تنگ و چسبان است بر تن می‌کنند. از کمر به پایین قباها کمی عریضتر و تا پاشنه پا کشیده می‌شود. این قباها درست به مانند پیراهن زنان فرانسوی در قرن شانزدهم میلادی است.» (دروویل، ۱۳۴۸: ۵۳) (تصویر ۱۲) احتمالاً منظور از دروویل پیراهن‌هایی بوده است که در سده شانزدهم باب شده بود^{۳۳} و از نظر مدل، بلندی و فراخی دامن، تزیینات و مهم‌تر از همه تاکید‌ی که برای باریک‌تر نشان دادن کمر داشت، با قبا‌های مردان ایرانی برابری می‌کرد. همچنین گشادی و بلندی لباس‌های مردان فاقد جلوه‌نمایی‌های مردانه بود به این معنا که باز نمایی اندام مردانه آنها زیر چنین پوششی غیر ممکن بود.



^{۳۳} این پیراهن‌ها شامل بالاتنه‌ای تنگ و چسبان بود که از لحاظ رنگ متفاوت از دامنی بود که همراه آن پوشیده می‌شد. گودی یقه آن، چهار گوشه یا باز افقی بود. زیر آن کمرستی تنگ از کتان ضخیم پوشیده می‌شد. در باسکین میله‌هایی فلزی برای باریک‌تر نشان دادن بالاتنه، کار گذاشته شده بود. آستین‌ها چاکدار و پف‌دار اغلب جدا از بدنه بود و به زیبایی، تزیین می‌شد. (همان ۱۲۰)

تصویر ۱۲: پیراهن زنان فرانسوی در قرن شانزدهم، شباهت لباس زنان فرانسوی با لباس مردان قاجار، مقایسه شود با تصویر ۶ منبع (ویل کاکس ۱۳۸۳)

جنسیت گمشده در پوشاک این دوره از برخورد جامعه ی قاجاری با امر جنسی حکایت می کند. برخوردی متفاوت از مواجهه ی جامعه ی مدرن با امر جنسی. همان طور که گفته شد در دوره ی قاجار امر جنسی بیش از آنکه تابو محسوب شود و در لایه های بسیار پنهان زندگی افراد واقع شده باشد، بخشی از زندگی روزانه آن ها محسوب می شد. بر اساس مدارک و منابع موجود، در این دوره شاهد جریان نوعی سیالیت جنسی و رای همجنس خواهی به ویژه در میان مردان هستیم. «بر اساس شواهد بر جای مانده به ویژه متون و نقاشی ها در عصر قاجار کنش جنسی لزوماً پیوند مستقیمی با هویت جنسی نداشت، به عنوان مثال درگیر شدن در یک کنش جنسی به مثابه ی همجنسگرا بودن نبود و به طرد او منجر نمی شد.» (دژم خوی و موسوی شرقی، ۱۳۹۷: ۳۸) بنابراین جنسیت هایی مجزا از دوگانه زن و مرد در این دوره پذیرفته شده بود. این در حالی بود که در اروپای سده ی نوزدهم همجنس خواه به یک شخصیت بدل شده بود؛ شخصیتی که همه چیز او متأثر از امر جنسی اش بود و رد پای آن در کوچک ترین جزئیات زندگی او دیده می شد؛ پنهان در همه رفتارهایش و ثبت شده بر سیما و اندامش.

بدین ترتیب جلوه های تغییر لباس در ایران که از اواسط قرن سیزدهم ه.ق (نوزده میلادی) رخ داد، مشخصاً مردانه بود. دلیل آن را می توان حساسیت مردان ایرانی نسبت به نگاه موشکافانه و تحقیر آمیز اروپاییان به کردارهای جنسی آنها دانست. «در قرن نوزدهم ایرانیان از این نکته آگاه شدند که کردارهای جنسی که در ایران متداول بود، از دید اروپاییان رذیله اخلاقی محسوب میشد» (نجم آبادی، ۱۳۹۷: ۲۴) به همین خاطر «تا اواخر قرن نوزدهم، در بعد جنسیت زیبایی تغییر ژرفی شکل گرفته بود. توصیف زیبایی مردانه و عشق مرد به مرد محو شد. مردان در تابلو های سلطنتی پس از دوران ناصری، نه دیگر با کمرهای باریک به تصویر کشیده شدند نه ویژگی های چهره زیبای مردان در دهه های اولیه را داشتند. [...] به بیان دیگر بازنمایی زیبایی دستخوش تغییرات مهمی شد.» (همان، ۶۴) به دنبال این تحولات لباس مردان قاجار نیز با تغییراتی همراه شد. به طوری که در ابتدا شاهد کاهش وجوه زیبایی شناسانه و جلوه گرانه لباس با توجه به معیارهای زیبایی مردانه (از دید اروپاییان) هستیم.

به مرور قباهای خوش آب و رنگ که روزی نمایان گر تشخیص مردان بود و روی دیگر لباس ها پوشیده می شد، منسوخ شد و جای خود را به سرداری های کمر چین و بالای زانو داد. شلوارهای گشاد و بلندی که از پارچه های ابریشمی رنگین دوخته می شد، دیگر مورد پسند مردان قاجاری نبود و به جای آن از شلوار های مدل اروپایی استفاده می کردند؛ شلوارهایی که مردان را کشیده تر و بلند قامت تر نشان می داد. مردان به جای پوشیدن کفش های پاشنه دار پیشین، چکمه یا کفش هایی را که در اروپا تولید شده بود، به پا می کردند و به جای جوراب های منقوش دوره پیش، به رسم اروپاییان جوراب های سفید می پوشیدند. پارچه های پر نقش و نگاری چون ترمه از رونق افتاد و برای دوخت لباس ها پارچه های تیره رنگ و ساده ای چون ماهوت و برک مورد استفاده قرار گرفت. با وجود تجمل پرستی قاجاریان دیگر خبری از لباس های پر آرایه و مزین به انواع جواهرات نبود. در واقع زر و زیور و جواهرات که روزی در لباس و پوشش هر دو جنس استفاده می شد، اکنون به عنوان عنصری زنانه شناخته می شد. به همین جهت استفاده از آن در لباس مردان تقلیل یافت. روشن ترین مثالی که در این مورد، مقایسه لباس و جواهرات فتحعلی شاه با لباس نسبتاً ساده و کلاه معمولی ناصرالدین شاه است که تفاوت آن با کلاه افراد عادی تنها در جقه ای بود که روی آن قرار داشت. سرانجام در

اواخر دوره قاجار، تحولات بسیاری در پوشش مردان ایجاد شد و لباس مردان، ساده تر، کاربردی تر و غیر بازنماینه تر شد. تغییر در سبک پوشش از اشراف و تحصیل کرده ها به درون مردم عادی راه یافت و لباس های اروپایی، جایگاه خود را در بین افراد جامعه تثبیت کرد. حاصل تمامی این تلاش ها تمایز جنسیتی بود که به شکل بارزتری در لباس نشان داده شد. آن هم با فاصله گرفتن لباس مردان از لباس زنان که در نهایت به الگوبرداری از لباس اروپایی منجر شد.

جدول ۱: کاربست یافته‌ها؛ دلالت های جنسیتی در پوشش مردان قاجار قبل و پس از گسترش تعاملات ایران و اروپا

(مأخذ : نگارندگان)

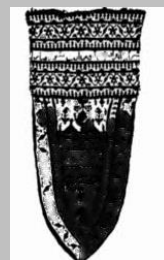
الگوی مدرن (متأثر از فرهنگ اروپایی)	الگوی سنتی (پیش از نفوذ اروپاییان)
<p>کوتاه شدن قد دامن قباهای مردانه تا حدی که به بالای زانو می رسید و در ادامه منسوخ شدن قبا ها و جایگزینی آن با سرداری</p>  <p>(کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳)</p>	<p>۱) قبا هایی با دامن کلوش مانند و بلند</p>  <p>(کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳)</p>
<p>شلوار هایی مدل اروپایی که با ایجاد برش هایی مردان را بلند قامت تر نشان می داد</p>  <p>(غیبی، ۱۳۸۴)</p>	<p>۲) شلوارهای گشاد و بلند از پارچه های ابریشمین رنگین</p>  <p>(فالک، ۱۳۹۳)</p>

جوراب های سفید ساده به سبک اروپایی



(Frederick n ، ۱۸۸۰)

۳) جوراب های گل دار و پر نقش و نگار



(سوداور دیبا، ۱۳۹۳)

کفش های و چکمه های مردانه ای که از اروپا وارد می شد



(Frederick n ، ۱۸۸۰)

۴) کفش های پاشنه دار پشت باز



(پاکباز، ۱۳۹۶)

رواج پارچه های تیره رنگ و ساده ای چون ماهوت و برک



(احمد-شاه-قاجار-در-کنار-پرنس-البرت-عکس

<https://www.asriran.com/fa/new>
(s/

۵) استفاده از پارچه های منقوش و پر زرق و برقی چون ترمه و زربفت



(کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳)

۶) استفاده از جواهرات و زیورالات فراوان



(پاکباز، ۱۳۹۶)

کاهش علاقه نسبت به جواهرات



<https://www.asriran.com/fa/new>

s/۳۹۱۱۷۳/سلفی-ناصرالدین-شاه-قاجار-

عکس /

نتیجه گیری

در دوره قاجار همراه با دگرگونی های بسیاری در زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جنسی، لباس هم با دگردیدی هایی مواجه شد. دگردیدی هایی که در این پژوهش تلاش شد با تکیه بر مفهوم جنسیت مورد بازبینی قرار گیرد. بررسی متون تاریخی لباس مردان در دو بازه زمانی (قبل و بعد از گسترش تعاملات ایران و اروپا) از عدم تفکیک جنسیتی در لباس سنتی ایرانیان در اوایل دوره قاجار خبر می دهد. پوشاک مردان قاجاری همچون پیشینیان شان با ویژگی هایی چون بلندی و گشادی لباس ها، تزیینات فراوان و استفاده از پارچه های الوان و پر زرق و برق شبیه پوشاک زنان بود. با توجه به تحلیل مفهوم جنسیت و بازتعریف آن در این دوره، دلیل این آشفتگی جنسیتی در لباس، تا حدود بسیار زیادی آشکار می شود. در واقع نامفهوم بودن زنانگی و مردانگی لباس به این خاطر بود که در این دوره جنسیت به معنای دو گانه ی زن و مرد به شکل امروزی هنوز تعریف نشده بود و این موضوع ارتباط تنگاتنگی با زندگی جنسی ایرانیان به ویژه مردان و تمایلات جنسی شان داشت. شاید از این رو بود که نخستین تغییرات متوجه لباس مردانه شد. نگاه نظارتی و استعمارگرانه به زندگی جنسی و تمایلات مردان ایرانی و تشریح خصوصیات آن ها توسط اروپاییان بیش از همه بر ظاهر زندگی ایرانیان تأثیر گذاشت. لباس مردان ایرانی تصویری از مردان بالغ همجنس گرا را در ذهن اروپاییان ایجاد می کرد. بنابراین یکی از تکنولوژی های اصلاحی که مردان به بهانه ی سامان دهی زندگی جنسی خود استفاده کردند، تغییر لباس و ظاهرشان بود تا از این طریق امیالشان را از نگاه بیگانگان پنهان سازند. مردان ایرانی که ظاهراً همیشه تحت نظر قرار داشتند، عناصری را که طبق معیار اروپاییان زنانه محسوب می شد، از لباس خود زدودند؛ این تغییرات ابتدا در فرم

لباس رویی که در معرض دید بود صورت گرفت. جبه های قاجار در دوره محمدشاه طبق الگوی اروپایی کوتاه شدند و حالت بازنمایانه ی خود را از دست داد. تحولات ایجاد شده در دوره ناصری به شکل بارزتری خود را نشان داد. تبدیل جبه های کمر باریک به سرداری های بالا زانو و تبدیل شلوارهای گشاد دوره قبل به شلوارهایی با فرم اروپایی از مهمترین این تغییرات بود. همچنین در این دوره لباس مردان تیره تر شد و دیگر خبری از مروارید دوزیها و جواهرات پیشین که به طور مشترک در لباس هر دو جنس بکار می رفت، نبود. بدین ترتیب در این دوره همگام با باز تعریف مفهوم جنسیت تمایز آشکاری میان لباس زنان و مردان به وجود آمد که حاصل آن ظهور بازنمایی های جنسیتی در پوشاک بود

منابع:

اشراقی، احسان. ۱۳۵۵. "کنت دوسرسی (یک سفارت فوق العاده ایران در ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰)" بررسی های تاریخی. سال ۳: ۱۸۳-۱۹۱

اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). **سفرنامه اولیویه**. ترجمه محمد طاهر میرزا. تهران: انتشارات اطلاعات

پاپلی یزدی، لایلا و دژم خوی، مریم (۱۳۹۷). **باستان شناسی سیاست های جنسی و جنسیتی در پایان عصر قاجار**. تهران: انتشارات نگاه معاصر

پاکباز، رویین (۱۳۹۶). **نقاشی ایران از دیرباز تا امروز**. تهران: زرین و سیمین. چاپ سیزدهم

پولاک، یاکوب ادوارد، (۱۳۶۸). **سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی

دروویل، گاسپار، (۱۳۸۸). **سفرنامه دروویل**. ترجمه جواد محیی. تهران: نیک فرجام

راوندی، مرتضی. ۱۳۶۹. **تاریخ اجتماعی ایران ج ۷**. تهران: انتشارات نگاه. چاپ سوم

رایت، دنیس، (۱۳۶۸). **ایرانیان در میان انگلیسیها**. ترجمه کریم امامی. تهران: نشر نو با همکاری انتشارات زمینه

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۵). **مردمان ایران**. تهران: انتشارات علم و زندگی

سوداور دیبا، لایلا. ۱۳۸۳. «دوره صفویان و قاجاریان. پوشاک در ایران زمین». از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا. به کوشش احسان یار شاطر. ترجمه ایمان متین. تهران: انتشارات امیر کبیر. چاپ دوم

سولتیکف، الکسیس (۱۳۶۵). **مسافرت به ایران**. ترجمه محسن صبا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی

شاردن، جان. ۱۳۳۵. دایره المعارف تمدن ایران سیاحتنامه شاردن ج ۷. ترجمه محمد عباسی. تهران: انتشارات

امیرکبیر

شریعت پناهی، سید حسام الدین (۱۳۷۲). اروپایی ها و لباس ایرانیان. تهران: نشر قومس

شمیسا، سیروس (۱۳۸۱). شاهد بازی در ادبیات. تهران: فردوسی

شهشهانی، سهیلا (۱۳۹۶). پوشاک دوره قاجار. تهران: فرهنگسرای میر دشتی

کریم زاده تبریزی، محمد علی (۱۳۶۳). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و

عثمانی. جلد اول. لندن محمد علی کریم زاده تبریزی

کلیور رایس، کلارا، (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: نشر کتابدار

فالک، اس. جی. ۱۳۹۳. شمایل نگاران قاجار. تهران: نشر پیکره

فریه، ر. دبلیو، (۱۳۷۴). هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: نشر پژوهش فرزانه روز

علیمحمدی اردکانی، جواد، (۱۳۹۲). همگامی ادبیات و نقاشی قاجار. تهران: یساولی

غیبی، مهر آسا، (۱۳۸۴). تاریخ پوشاک اقوام ایرانی. تهران: هیرمند

مبینی، مهتاب و اسدی، اعظم، (۱۳۹۶). سیری در مد و لباس دوره قاجار. تهران: مرکب سفید

مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۸). شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. تهران: زوار

مکنزی، مایری، (۱۳۹۱). گرایشهای طراحی لباس. ترجمه ایدا تدین. تهران: کتاب آبان

میلز، سارا، (۱۳۹۷). میشل فوکو. ترجمه مرتضی نوری. تهران: نشر مرکز

نجم آبادی، افسانه، (۱۳۹۶). زنان سیبیلو و مردان بی ریش؛ نگرانی های جنسیتی در مدرنیته ایرانی. جلد یکم.

ترجمه اتنا کامل، ایمان واقفی. تهران: تیسرا

نجمی، ناصر، (۱۳۷۴). عباس میرزا. تهران: انتشارات علمی

ویلسون، الیزابت، (۱۳۹۴). *مد و مدرنیته*. ترجمه ناصرالدین غراب. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

ویل کاکس، روت ترنر، (۱۳۸۳). *تاریخ لباس*. ترجمه شیرین بزرگمهر. تهران: توس

Hollander, Anne (۱۹۹۴). **Sex and Suits**, NY: Alfred A. Knopf Inc.

M. Jones Jennifer (۲۰۰۴). **Sexing La Mode Gender, Fashion and Commercial Culture in Old Regime France**, Oxford: Berg

Gem Scheiwiller, Staci(۲۰۱۷). **Liminalities of Gender and Sexuality in Nineteenth-Century Iranian Photography**, NY: Routledge

Najmabadi, afsaneh (۲۰۰۵). «Mapping Transformations of Sex, Gender, and Sexuality in Modern Iran», *Social analysis: The International Journal of Anthropology*, (۴۹:۲), pp. ۵۴-۷۷

Najmabadi, afsaneh (۲۰۰۶). «Beyond the Americas Are Gender and Sexuality Useful Categories of Historical Analysis?», *Journal of Women's History*(۱۸:۱), pp. ۱۱-۲۱

Frederick n, Bohrer. *Sevruguin and the Persian Image Photographs of Iran*, ۱۸۷۰_۱۹۳۰. Published by the Arthur M. sackler Gallery, Smithsonian Institution, Washington, D.C., and the university of Washington Press, Seattle and London

The concept of gender and its representation in the Qajar period clothing

Abstract

Many socio-political, economic and cultural real aspects are hidden in the different clothing styles of a given society. One of the features of clothing styles as a cultural sub-element is in how is it interpreted and redefined as to gender and the relation between clothing style and sexual orientation. The concept of clothing has been through different stages in Iran. The

mentality and cultural evolution in Iranian society can be evaluated according to their clothing styles. During Qajar era, which coincides with the industrial revolution and change in European mental and cultural capacities thereof, the change in clothing design is evident in Iran, of course in the men's clothing mostly. Attempt is made here to study and assess this change in two separate periods of pre and after relations expansion between Iran and Europe and analyze this evolution as to the changes in the concept of sexuality. Here the qualitative approach is applied by applying descriptive-analytical procedures. The data are gathered from library and internet sources. It is revealed that at the beginning of this evolution the men's clothing resembled that of men's which lacked the gender expression. Later following European style when men's women's clothing style differed, to impose standards in these changes next to sexuality norms, this change became eye-catching.

Key words: clothing style, clothing, men, gender, Qajar
